

بررسی چند سند از مجموعه اسناد کابینه کودتا

بخش نخست:

بخش نخست این مجموعه که در حدود هفتاد برگ سند است، اختصاص دارد به نامه‌های دستگیری، آزادی، شفاعت، توصیه و ضمانت که به نام افراد گوناگونی از مراجع مختلف صادر شده است، یا بالعکس. در این بخش، از سندهای مربوط به سیاستمدارانی سرشناس مانند: مستشارالدوله، نصرت‌الدوله فیروز، قوام‌السلطنه، سالار فاتح، مشارالدوله و غیره گرفته تا اسنادی از چهره‌هایی گمنام همچون بقال و ثانوا و ... وجود دارد که به نوعی دچار گرفتاری سیاسی شده‌اند. از بهترین استاد این بخش می‌توان توصیه‌نامه میرزا علی اکبرخان دهخدا را که خطاب به رئیس دولت کودتا نگاشته، نام برد. او در این نامه خواستار آزادی برادرش میرزا یحیی‌خان شده که چندی هم رئیس مالیّه قزوین بوده است. این نامه به خط و امضای خود مرحوم استاد علی اکبر دهخدا می‌باشد. از موضوعات مهم این بخش، چندین سند مربوط به مستشارالدوله است که از آنها بخوبی می‌توان به درگیری و اختلاف بین رضاخان و سیدضیاءالدین از همان اوایل پیروزی کودتا پی برد. اولین نامه، تاریخ ۲۶ حوت [اسفند] ۱۲۹۹ را دارد که به مهر و امضای سیدضیاء و خطاب به تشکیلات حکومت نظامی، چنین نوشته شده است:

[سند شماره ۱]

حکومت نظامی طهران لازم است مقرر دارید قزاقهایی که در خانه آقای مستشارالدوله هستند از آن جا رفته متعرض ایشان و خانواده‌شان نبوده و چون قصد دارند به سمیران تشریف ببرند یک دو نفر قزاق یا ژاندارم به خدمت ایشان بگماید.

سید ضیاءالدین طباطبایی

حسن مرسلوند



معرفی می‌نماید.
مجموعه این اسناد را می‌توان به هشت موضوع اساسی بخش کرد:
- بخش نخست: اسناد مربوط به گرفتار شدگان سیاسی.
- بخش دوم: اسناد مربوط به مطبوعات سراسر کشور.
- بخش سوم: اسناد مربوط به لغو قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس.
- بخش چهارم: اسناد مربوط به انحلال پلیس جنوب.
- بخش پنجم: مصوبات هیأت دولت.
- بخش ششم: اسناد مربوط به خلع سلاح عمومی.
- بخش هفتم: اعلامیه‌های صادره دولت کودتا.
- بخش هشتم: اسناد مربوط به وضعیت اقلیتهای دینی در دولت کودتا.
لازم به یادآوری است که دسته‌ای از این اسناد در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود که نشانی آنها در پایان این نوشتار آورده شده است.

کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ از رویدادهای با اهمیتی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید که باید از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در مورد چگونگی شکل‌گیری کودتا و نقش دولتهای بیگانه در پیدایش آن، سخنان بسیاری رفته و هنوز هم به نظر می‌رسد که باید بیشتر مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. همچنین زندگینامه‌های دو عامل سرشناس کودتا یعنی رضاخان میرپنج و سید ضیاءالدین طباطبایی، بارها در ایران و به زبان پارسی به چاپ رسیده است. البته جای تعجب نیست اگر درباره رضاخان میرپنج [رضا شاه بعد] اسناد و مدارک و شرح احوال بیشتری به چاپ رسیده باشد. به نظر می‌رسد که برای تجزیه و تحلیل تاریخی این رویداد معاصر، واجب باشد که اسناد و مدارک دولت کودتا نیز مورد بررسی پژوهشگران قرار گیرد. از اینرو نگارنده که حدود سیصد برگ از اسناد کابینه مزبور را در اختیار دارد، ضمن موضوع‌بندی کلیه اسناد، چند سند مهم این مجموعه را نیز به علاقه‌مندان

[مهر و امضا]
کلنل کاظم خان حاکم نظامی تهران در همان روزه نامه شماره ۳۹۳۱ را برای رضاخان فرمانده دیویزیون قزاق نوشته و دستور رئیس‌الوزرا را به او منعکس نموده است:

[سند شماره ۲]

مقام محترم ریاست دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی و فرمانده کل قوا دام اقباله سواد دستخط نموده () حضرت اشرف اعظم آقای رئیس‌الوزرا دامت عظمته نسبت به آقای مستشارالدوله برای استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می‌گردد، مقرر فرمایید دو نفر قزاق معین نمایند که در معیت آقای مستشارالدوله به شمیران بروند و در خدمت ایشان باشند.

اما رضاخان میرپنج فرمانده قزاق در پاسخ به دستور رئیس‌الوزرا، بعد از سه روز نامه‌تندی به این شرح به حکومت نظامی می‌فرستد:

[سند شماره ۳]

حکومت محترم نظامی در جواب مراسله شماره ۳۹۳۱ اظهار می‌دارد که از مأمورین دربخانه آقای مستشارالدوله اطلاعی نداشته و قزاقی هم برای خدمت معزی الیه به شمیران فرستاده نخواهد شد.

رئیس دیویزیون قزاق اعلیحضرت اقدس همایونی و فرمانده کل قوای نظامی رضا [مهر و امضا]

بخش دوم:

همان‌طور که همگان می‌دانند، در همان روز کودتا طبق ماده چهارم اعلامیه منتشر شده رضاخان رئیس دیویزیون قزاق،

فعالیت کلیه روزنامه‌ها و مطبوعات تعطیل اعلام شد. اسناد این بخش، عموماً دستور توقیف، اجازه فعالیت، تقاضاهای مدیران جراید و توصیه‌نامه‌های گوناگون را در بر دارد. بیست سند از این بخش طی مقاله‌ای به نام «بیست سند منتشر نشده از دوره خاموشی مطبوعات» در شماره قبلی گنجینه اسناد (سال سوم - دفتر چهارم - زمستان ۱۳۷۲، ص ۷۱) توسط این جانب به چاپ رسیده است. اینک نیز سند اجازه تأسیس جریده هفتگی «قرن بیستم» که از سوی رئیس‌الوزرای کودتا به میرزاده عشقی داده شده معرفی می‌گردد:

[سند شماره ۴]

ریاست وزرا
نمره ۱۱۳۶

به تاریخ ۲۴ برج حمل ۱۳۳۹

وزارت جلیله معارف و اوقاف

به آقای میرزاده عشقی اجازه طبع و نشر یک جریده هفتگی، مصور، اجتماعی، سیاسی، ادبی، اخلاقی به نام قرن بیستم داده شده است. بدیهی است از طرف آن وزارت جلیله امتیاز روزنامه مزبور به ایشان داده خواهد شد که شروع به انتشار آن نمایند.

[مهر و امضا]

بخش سوم:

در این بخش اسناد مربوط به لغو قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس موضوع بندی شده است. نامه زیر که به خط و امضای مشیر معظم وزیر پست و تلگراف کابینه سیدضیاءالدین است، جهت معرفی ارائه می‌گردد:

[سند شماره ۵]

در جلسه ۱۳ حوت پیچی نیل ۱۲۹۹ به اتفاق آراء هیئت وزراء تصویب و تصمیم نمودند معاهده ۹ ماه اوت ۱۹۱۹

الفاء گرده و وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس اطلاع دهد.

مشیر معظم
[امضا]

بخش چهارم:

در این بخش اسناد مذاکرات انحلال پلیس جنوب موضوع بندی شده است. جالبترین اسناد این بخش، گزارش کلنل فریزر به رئیس‌الوزرا درباره تشکیلات پلیس جنوب است. از مهمترین اسناد مزبور یکی هم صورت جلسه هیات دولت در سوم فروردین ماه ۱۳۰۰ خورشیدی است که مشیر معظم آن را تنظیم و امضا نموده است. از مطالعه این سند در می‌یابیم که ابتدا دولت انگلیس تصمیم گرفته است که تشکیلات پلیس جنوب را منحل نماید:

[سند شماره ۶]

ریاست وزراء

در جلسه سوم حمل تخاقوی نیل ۱۳۰۰ نظر به این که دولت انگلیس مصمم شده است تشکیلات تأمینیه موسوم به پلیس جنوب ایران را که از چند سال به این طرف در ایالات فارس و کرمان تأسیس نموده، منحل نماید و نظر به این که لزوم استقرار امنیت در نقاط مختلفه مملکت از دیداد قوای ژاندارمری دولتی را قویاً ایجاب می‌کند و نظر به این که اگر قوای مزبوره منحل گردد از طرفی افراد آن که تمام اشخاص کارآزموده جنگی باشد بی‌کار و از طرف دیگر رشته انتظامات چند ایالت مهمه مملکت متلاشی خواهد گشت و در آتیه با صرف میلیونها و مدتی وقت ممکن است امنیت و آسایش را اعاده داد و برای جلوگیری از انحلال آن، مذاکرات و اقداماتی قبلاً از طرف حضرت آقای رئیس‌الوزراء شده و در جلسات سابق هیئت وزراء هم مذاکره در اطراف این

مسأله شده بود، اینک هیئت وزراء به اتفاق آراء تصویب نمودند که با دولت انگلیس مذاکرات لازمه به عمل آید تا تشکیلات تأمینیه مزبورۀ فوق با مهمات آن به دولت علیه ایران منتقل گردد و صاحب منصبان انگلیسی و هندی آن از خدمت خارج و تشکیلات آتیه این قوه مطابق تشکیلات ژاندارمری دولتی و دستورالعمل دولت علیه [۶] شود. مقرر شد این تصمیم دولت علیه را وزارت امور خارجه در ضمن مراسله [ای] به سفارت انگلیس اطلاع دهد.

مشیر معظم

بخش پنجم:

این بخش شامل اسناد مصوبات هیأت دولت است که در انتهای اوراق، امضای اعضای هیأت دولت به چشم می خورد. برای نمونه سند زیر معرفی می گردد:

[سند شماره ۷]

هیئت وزراء

نمره ۱۲۹۴۳

به تاریخ ۳۰ برج حوت ۱۳۳۹

در جلسه ۲۲ حوت پیچی نیل ۱۲۹۹ هیئت وزراء قرار شد کمیسیونی مرکب از آقایان مفصله ذیل تشکیل یابد که در تحت ریاست آقای منصورالسلطنه قوانین راجع به عدلیه را ترتیب دهند تا پس از آن که از روی دقت قوانین مزبوره حاضر شد به هیئت وزراء پیشنهاد و تنفیذ گردد.

آقای منصورالسلطنه

آقای ذکاءالملک

آقای حاج سیدنصرالله

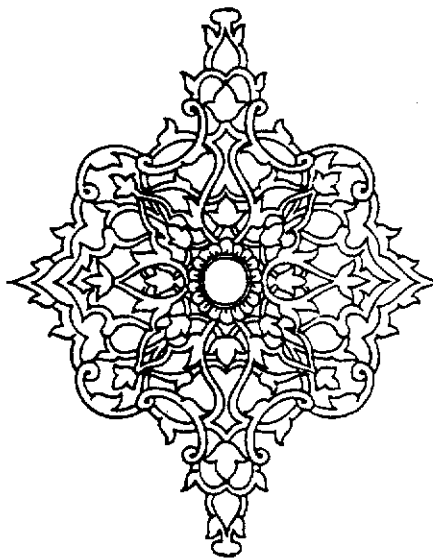
آقای میرزا محمد قمی

آقای شیخ محمد بروجرودی

آقا میرزا علی قمی

آقای شریعت زاده

[امضای سیدضیاء و شش وزیر دیگر]



بخش ششم:

دولت کودتا از همان روزهای اول استقرار، اقدام به خلع سلاح عمومی نمود. اسنادی چند در این موضوع وجود دارد که مهمترین آن اعلامیه ایست منتشر شده به تاریخ یازدهم اسفند ۱۲۹۹ برای عموم مردم. به دنبال این اعلان عمومی، از طرف صنف اسلحه فروش تهران شکایتهای بسیاری به هیأت دولت رسید، تا سرانجام قرار شد که دولت در ازای ضبط هر قبضه اسلحه، مبلغی ماهانه به اعضای صنف اسلحه فروش پرداخت نماید. اینک متن اعلامیه خلع سلاح عمومی:

[سند شماره ۸]

اعلان

بر حسب امر و اشاره بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکتہ برای اطلاع عامه به نشر این اعلان اقدام و به عموم اهالی دارالخلافه مواد چهارگانه ذیل اخطار و اعلام می گردد:

ماده اول - نظر به این که حکومت نظامی در شهر دارالخلافه حکم فرماست، به استثنای طبقات نظامی، عموم صاحبان اسلحه از اسلحه فروش و غیره مکلفند که اسلحه موجوده در حجرات و امکنه و

منازل خود را به انضمام فشنگ بدون فوت وقت به کمیساریای محلی خود تسلیم و قبض چاپی که تهیه شده است دریافت نمایند.

ماده دوم - ۶ روز بعد از نشر این اعلان کلیه اسلحه های موجوده که قبلاً به کمیساریای محلی تسلیم نگشته باشد بدون دادن قبض اخذ و ضبط دولت علیه خواهد شد.

ماده سوم - هرگاه یک ده روز از تاریخ نشر این اعلان بگذرد و صاحبان اسلحه در اجرای مواد این اعلان خودداری و تخلف نموده باشند علاوه بر اخذ و ضبط اسلحه، مرتکب به مجازاتهای سخت حتی ممکن است محکوم به اعدام شود.

ماده چهارم - به مأمورین نظمیه و قوای تأمینیه حق داده شده و می توانند در هر موقع امکنه و منازلی را که مورد سوءظن واقع شود، ورود و تفتیش نمایند.

تبصره - تفنگهای ساچمه زنی و شکاری از مواد فوق مستثنی و برای حمل آن باید در این فاصله از اداره نظمیه جواز تحصیل نمایند.

یازدهم حوت پیچی نیل ۱۳۳۹

رئیس کل تشکیلات نظمیه و حاکم نظامی شهر طهران مأمور اجرای مواد فوق هستند [حاشیه: در حاشیه ماده ای با شماره ۲ افزوده شده که پس از آن کلیه شمارهها تغییر کرده است.]

۲ - در قبض [؟] و نوع تفنگ و مقدار فشنگ تصریح خواهد شد.

بخش هفتم:

در بخش هفتم مجموعه اسناد، چند اعلامیه از دولت کودتا گردآوری شده است. مشهورترین این اعلامیه ها، اعلامیه معروف رضاخان میرپنج است با عنوان «حکم می کنم» که در روز کودتا چاپ و بر دیوارهای شهر تهران نصب شد. اینک متن آن اعلامیه:

حکم می‌کنم:

ماده اول - تمام اهالی شهر طهران باید ساکت و مطیع احکام نظامی باشند.

ماده دوم - حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت هشت بعد از ظهر غیر از افراد نظامی و پلیس مأمور انتظامات شهر کسی نباید در معابر عبور نماید.

ماده سوم - کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به مخل آسایش و انتظامات واقع شوند فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد.

ماده چهارم - تمام روزنامجات - اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت به کلی موقوف و بر حسب حکم و اجازه که بعد داده خواهد شد باید منتشر شوند.

ماده پنجم - اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه به کلی موقوف، در معابر هم اگر بیش از سه نفر گرد هم باشند با قوه قهریه متفرق خواهند شد.

ماده ششم - تمام مغازه‌های شراب و عرق فروشی، تئاتر و سینما توگرافها و کلویهای قمار باید بسته شود و هر مست دیده شود به محکمه نظامی جلب خواهد شد.

ماده هفتم - تا زمان تشکیل دولت تمام ادارات و دوایر دولتی غیر از اداره اوراق تعطیل خواهد بود. پستخانه، تلفونخانه و تلگرافخانه هم مطیع این حکم خواهند بود.

ماده هشتم - کسانی که در اطاعت از مواد فوق خودداری نمایند به محکمه نظامی جلب و به سختترین مجازاتها خواهند رسید.

ماده نهم - کاظم خان به سمت کماندانی شهر انتخاب و معین می‌شود و مأمور اجرای مواد فوق خواهد بود.

رئیس دیویزیون قزاق اعلیحضرت

بخش هشتم:

اعلام حکومت نظامی از سوی دولت کودتا، فعالیت مذهبی اقلیتهای دینی ایران را نیز دچار اختلال کرد. در این بخش اسناد بسیاری وجود دارد که نمایندگان اقلیتهای دینی از حکومت نظامی، خواستار صدور مجوز جهت گردهمایی و انجام فرایض مذهبی خود شده‌اند. به دو سند زیر توجه شود:

[سند شماره ۱۰]

متولیان نماز خانه‌های آرامنه طهران

به تاریخ ۲۷ برج حمل ۱۳۰۰

مطابق ماه آوریل ۱۹۲۱

مقام محترم کماندان حکومت نظامی طهران دام اقباله

خاطر محترم را مستحضر می‌دارد که

بر حسب معمول و آداب مذهبی آرامنه همه ساله مراسم تعزیت و سوگواری قتل حضرت مسیح [را] به عمل می‌آورند.

بنابراین در شب جمعه ۹ برج ثور سه ساعت از شب گذشته تا مقارن صبح عموم آرامنه باید به نمازخانه رفته رسوم مذهبی خود را به انجام برسانند. لهذا متمنی است

کتباً اجازه فرمایند اعلانی در این خصوص به زبان ارمنی منتشر نمایم که عموم آرامنه بتوانند آزادانه در آن شب مذکور به

نمازخانه‌های دروازه قزوین و دروازه شاه عبدالعظیم رفته رسوم مذهبی خود را به جا بیاورند و ضمناً به عموم کمیساریا و

مأمورین نظم شهر و پلیس و قزاق قدغن فرمایند که در آن شب ممانعت و مداخلت از عبور و مرور آرامنه در شهر ننمایند.

زیاده منتظر اجازه کتبی می‌باشیم. از طرف متولیان نمازخانه‌های آرامنه

طهران

[سند شماره ۱۱]

مقام منبع حکومت نظامی تهران دامت شوکتہ

چون شب یکشنبه آینده عید بزرگ روسها است و ما مجبوریم در نمازخانه پامنا که مال روسها است اجتماع کنیم و به او راد و ادعیه مشغول شویم لازم است

که از مقام محترم اجازه می‌خواهد که در شب مزبور در نمازخانه اجتماع نموده اجرای آیین مذهبی خود را نمایم. و کلیه

اشخاصی که در آن جا جمع می‌شوند از زن و بچه ۵۰ نفر زیادتر نخواهند بود.

مستدعی است قدغن فرمایید مأمورین پلیس و حکومت نظامی جلوگیری نکنند. در خاتمه احترامات فائقه تقدیم می‌دارد.

۸ ثور ۱۳۰۰

ناظر نمازخانه [امضا] نایب خلیفه نمازخانه روسها [امضا] توضیح: اجتماع از ساعت ۸ بعد از ظهر تا ساعت ۳ بعد از

نصف شب در نمازخانه خواهد بود. [حاشیه]: ۸ ثور فوراً

سواد مراسله مزبوره به اداره نظمیہ فرستاده شود. و بنویسد به طوری که راجع به اجتماع در نمازخانه‌های آرامنه در شب

عیدشان در تحت نمره () دستور داده شده است اقدام و با یک مواظبت و مراقبت مخصوص با نزاکتی مجلس را در تحت

انتظامات مأمورین خود خاتمه بدهید. اما به غیر از اسناد موضوعی هشتگانه فوق، اسناد پراکنده بسیاری نیز از عملکرد

کابینه کودتا در دست است که هر چند ممکن است این اسناد به نظر ساده و بی‌اهمیت جلوه کنند، اما نزد فرزندان و پژوهشگران از اهمیت فراوانی برخوردارند.

چرا که این اسناد به ظاهر بی اهمیت، نشان دهنده اوضاع اجتماعی دوره کودتا و مشکلاتی است که توده های مردم با آن دست به گریبان بوده اند. از این مجموعه جالب، چندین سند برگزیده شده که می باید سند اول را با اسناد بعدی سنجید تا اهمیت موضوع آشکار گردد. سند اول مربوط است به صدور مجوز برای شاهزاده داراب میرزا جهت دایر کردن مجلس قمار، بدین شرح:

[سند شماره ۱۲]

پلیس اونفرمه
 راپورت نمرة ۲۴۲
 طهران ۲۱ برج حمل ۱۳۰۰ / ۱۳۳۹
 موضوع راجع به مجلس قمار
 متن راپورت
 مقام محترم ریاست پلیس اونفرمه
 شاهزاده داراب میرزا ساکن بریکار که
 قمارباز است در ساعت ۱۰ صبح به
 کمیساریا آمده و مشروحه ای از حکومت
 نظامی طهران آورده که مرقوم داشته اند
 شاهزاده مزبور بعضی از روزهای دوشنبه و
 جمعه را مهمان خصوصی دارد ممانعت
 ننمایید. در این خصوص از مشارلیه
 تحقیقات شفاهی شده معلوم می شود فردا
 راکه دوشنبه است جمعی را دعوت کرده و
 قمار دارد، اطلاعاً معروض داشت که هر
 نوع مقتضی است و مقرر فرمایند رفتار
 شود.

[مهر: کمیساریا نمرة ۴ سنگلج]

و اما چند سند بعدی مربوط می شود به دستگیری و بازجویی فردی به نام حاج محمدعلی که پیشکار و گماشته حاج میرزا یعقوب امینی بوده است. او به جرم پذیرایی از حاج شیخ عبدالله مازندرانی ملقب به صالح علی شاه - که نماینده حاج شیخ محمد حسن گنابادی قطب دراویش گنابادی ساکن تهران بوده - و همچنین برگزاری مراسم نماز جماعت به همراه تنی چند از

هم مسلکان خود، دستگیر و زندانی می شود. سند اول، متن گزارش آژان نمرة ۳۹۲ زین العابدین خان است به صاحب منصب کشیک:

[سند شماره ۱۳]

خدمت صاحب منصب کشیک دام اقباله
 در ساعت ۷ بعد از ظهر حسب الامر
 رفتم به منزل حاجی محمدعلی گماشته
 حاجی میرزا یعقوب امینی. موقعی که بنده
 با اجازه داخل خانه مشارلیه شد تقریباً
 بیست نفر اشخاص ذیل در آن جا جمع
 بودند. اسامی آنها را برداشته و حاجی
 مذکور را به کمیساریا جلب نمودم و اسامی
 آن اشخاص از قرار ذیل است:

- حاج شیخ عبدالله مازندرانی
- میرزا مهدی، آدم آقا
- حیدرقلی خان
- میرزا سید احمدخان
- میرزا عبدالله
- آقامیرزا کمال
- غلامحسین خان
- آقا میرزا حسن خان
- آقا محمد حسین
- آقا محمد هاشم
- آقا شیخ حسین دشتستانی
- ملاعباسقلی
- حاجی محمد اسماعیل شیخ المشایخ
- مشهدی حسین علی
- آقا محمد اسماعیل صراف
- آقامیرزا علی خان
- آقا میرزا عبدالحسین
- آقا مصطفی
- آقا سید ابوسعید
- آقا شیخ محمود صدرالذاکرین
- آقامیرزا آقا جان
- محض اطلاع عرض شد

[مضا]

پس از دستگیری، حاجی محمدعلی به اداره نظمیته برده می شود و تحت بازجویی قرار می گیرد. اسناد بازجویی او در سه برگ بدین شرح است:

[سند شماره ۱۴]

اداره نظمیته طهران
 ورقه استنطاق حاجی محمد علی گماشته
 حاج میرزا یعقوب امینی
 به تاریخ ۱ شهر شعبان المعظم ثیل ۱۳۳۹
 س - اسم و شهرت خودت را بیان کنی.
 ج - حاجی محمدعلی ولد مرحوم آقا
 میرزا جان اصفهانی شغل گماشته حاجی
 میرزا یعقوب امینی منزل کوچه حمام
 فیروزه کوچه حاجی کاظم خانه آقامحمد
 صحاف نمرة ۱ [مهر]

س - اشخاصی که امشب در منزل شما
 جمع شده بودند برای چه کاری آنجا بودند
 بیان کنی؟

ج - برای بازدید عید به منزل بنده آمده
 و تمام این اشخاص از مرده آقای کونابادی
 [گنابادی] می باشند. در شبهای جمعه در
 عرض سال در منزل آقای شیخ عبدالله
 مازندرانی، در شبهای دوشنبه در منزل
 حاج میرزا یعقوب امینی، در شبهای
 سه شنبه از یک ساعت به غروب مانده الی
 دو از شب گذشته در منزل آقا شیخ
 محمدحسین [۹] در بازارچه مروی در
 کوچه باغ، در شب چهارشنبه در منزل
 مشیرالسلطنه خانه عضدالملک، در شب
 پنجشنبه در منزل حاجی محمدآقای دلال
 اصفهانی، حجره ایشان در سرای حاجی
 ملاعلی جنب تکیه زرگرها کوچه چاپخانه،
 خانه شخصی [مهر]

س - در صورتی که اعلان از طرف
 دولت شده بود که هر کس مهمانی یا
 عروسی یا جلسه ای بخواهد فراهم نماید
 قبلاً باید به کمیساریای همان محل اطلاع
 بدهد شما که امشب مجلسی داشتید علت

س - سواد و مهر دارید؟
 ج - هم مهر دارم، هم سواد دارم [مهر].
 خلاصه کلام آن که برای درویش بی‌نوا
 پرونده قطوری ساختند و سرانجام نیز او را
 به زندان سپردند:

[سند شماره ۱۵]

حکومت نظامی طهران

تاریخ ۲۲ حمل ۱۳۰۰

دایره مجلس

حاج محمدعلی را که از کمیساریای
 نمره ۸ به حکومت نظامی اعزام داشته‌اند
 در تحت نظر داشته باشید تا دستور ثانوی
 داده شود.

[امضا]

[حاشیه]:

تحويل صاحب منصب کشیک داده شد.

[امضا]

راه نمای اسناد:

از سندهای موجود در سازمان اسناد ملی
 ایران به نشانه‌های زیر استفاده شده است:

سند شماره ۱ ← ۲۹۳۰۰۱۴۲۹
 ۱ ظ ۶۵۵

سند شماره ۲ ← ۲۹۳۰۰۱۴۲۹
 ۱ ظ ۶۵۵

سند شماره ۳ ← ۲۹۳۰۰۱۴۲۹
 ۱ ظ ۶۵۵

سند شماره ۹ ← ۲۹۳۰۰۱۴۷۷
 ۱ ظ ۶۵۳

سند شماره ۱۰ ← ۲۹۳۰۰۵۹۶۶
 ۱ ق ۳۲۱

سند شماره ۱۱ ← ۲۹۳۰۰۵۹۶۶
 ۱ ق ۳۲۱

سند شماره ۱۲ ← ۲۹۳۰۰۱۴۷۵
 ۱ ظ ۶۵۱

سند شماره ۱۳ ← ۲۹۳۰۰۱۴۷۵
 ۱ ظ ۶۵۱

سند شماره ۱۴ ← ۲۹۳۰۰۱۴۷۵
 ۱ ظ ۶۵۱

سند شماره ۱۵ ← ۲۹۳۰۰۱۴۷۵
 ۱ ظ ۶۵۱



سیدضیاءالدین طباطبایی

اطلاع ندادن به کمیساریا چه بوده بیان
 کنید؟

ج - آقا شیخ عبدالله خواستند که
 امشب بازدید عید بیایند به منزل بنده،
 خودشان و پسر ایشان [مهر]

س - اشخاصی که در آن جا امشب
 ورود نموده بودند از کجا اطلاع داشتند که
 آقا در منزل شما می‌باشند؟

ج - چون فهمیدند این اشخاص که آقا
 امشب در منزل بنده می‌باشند، بدون این که
 بنده دعوت از اینها بنمایم خودشان آمدند
 و عادت این مرده‌ها این است که بدون
 دعوت، همین که بفهمند که آقا در کدام یک
 از منازل این اشخاص می‌باشد، تماماً در
 آن منزل جمع می‌شوند برای نماز و روضه
 [مهر]

س - شما ابتدا اظهار نمودید و گفتید
 که چون حاج میرزا یعقوب در این جا
 نبودند قرار شد که آقا شیخ عبدالله بیایند به
 منزل بنده، در صورتی که شما اطلاع
 داشتید چرا اطلاع به کمیساریا ندادید؟

ج - فقد [فقط] دو نفر یا سه نفر که آقا
 باشد و پسرش و نوکر ایشان؛ و این چند
 نفر ابتدارفته بودند به منزل آقا شیخ عبدالله

سراغ گرفته بودند، چون فهمیدند که در
 منزل بنده می‌باشند خودسرانه آمدند به
 منزل بنده، وقتی که نماز می‌خواندیم. [مهر]
 س - پس این که این اشخاص آمدند به
 منزل شما هنوز مشغول نماز نشده بودید،
 چرا خبر ندادید؟ آن وقت می‌خواستید
 خبر بدهید.

ج - چون در شبهای دوشنبه پشت سر
 آقا نماز می‌خواندند آمده بودند در منزل
 بنده، نماز که تمام شد خواستم ببایم به
 کمیساریا اطلاع بدهم که شما آمدید. [مهر]
 س - معلوم است که شما خیال اطلاع
 دادن نداشتید، و الا همان موقع اطلاع به
 کمیساریا می‌دادید و ممکن بود که پیش از
 نماز خبر می‌دادید.

ج - موقعی که بنده اقتدا به آقا نمودم
 فقط ما سه نفر بودیم، یکی یکی رسیدند و
 اقتدا نمودند. [مهر]

س - شما در شبهایی که در جاهای
 دیگر مجلس داشتید به کمیساریا اطلاع
 می‌دادید یا خیر؟

ج - البته به کمیساریاها اطلاع می‌دهند
 و من اطلاع نداشتیم، و الا اطلاع به
 کمیساریا می‌دادم. [مهر]



د ریاست وزیر

نمبر ۱۳۵۸۱

تاریخ ۱۳۳۹

ضمیمه

حکومت نظامی خراسان

لایحه استعفای آقایان...

درباره...

درباره...

تاریخ ۱۳۳۹

۴۹/۸۳۰

وزارت...

درباره...

تاریخ ۱۳۳۹

ضمیمه

حکومت نظامی خراسان

لایحه استعفای آقایان...

درباره...

تاریخ ۱۳۳۹



دبیر یون قزاق

علیه حضرت قوشوکت اقدس هر بون شاهنشاهی

نمبر ۲۴۸۰

تاریخ ۱۳۳۹

ضمیمه

حکومت نظامی

درباره...

درباره...

درباره...

تاریخ ۱۳۳۹



د ریاست وزیر

نمبر ۱۳۳۹

تاریخ ۱۳۳۹

ضمیمه

حکومت نظامی

درباره...

درباره...

درباره...

تاریخ ۱۳۳۹

تاریخ ۱۳۳۹



حکم میکنم :

ماده اول - تمام اهالی شهر شهراب باید ساکت و مطیع احکام نظامی باشند .

ماده دوم - حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت هشت بجای نظر تحریر التوجه

ظامی ویلیس مأمور اطلاعات شهر کسی نباید در مسکن خود نماند

ماده سوم - کسانی که از طریق قزاق نظامی ویلیس مظنون به حمل آتشین و اطلاعات

وایح شوند فوراً سلب امتیازات منبت خواهند شد

ماده چهارم - تمام روزنامهجات - ادواری مطبوعه تا موقع تشکیل دولت مجلس شورای

وزیرسبک سبک و اجازت که به داد خزانهدار باید مطابق شوند

ماده پنجم - اموال عام مرصایل و اموال مختلفه بعضی موقوف در سایر امور احکام پیشین

ماده ششم - تمام کزرم باشنده بازره شهر را مشرف خواهند شد

ماده هفتم - تمام منازل های شراب و عرق فروش تا اثر رسیدن آگاری با و قورق های

شمار باید بت خود و صورت دیو شود بحدکه نظامی سبب خواهند شد

ماده هشتم - قالیان تشکیل دولت تمام اجازات و امتازات دولتی تحریر اداره ارضان تشکیل

خواهند بود - پیشخانه هواشناسی مقرر شده این سبک خواهند بود

ماده نهم - کسانی که از اجازت از مراد قزاق خود دارای نمایند به حدکه نظامی سبب

و بیعت تهران مجازات ما خواهند رسید

ماده دهم - قلم خالی بیست کالیقایی شهر انتخاب و معین میشود و مأمور مهمانی مراد

قزاق خواهند بود

بپس معروفان ترقی اعلیحضرت اقدس شهرابای و فرماده گل خوا

(رسا)

سلطان بیخورد شهراب

برای برگزیده بشکند انجمن محراب شهراب شهراب ...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

مقام مسئول
 ۱۳۱۵

اینجانب در این خصوص به موجب این سند
 در طرف تولید کننده قرار گرفته است
 در طرف تولید کننده قرار گرفته است
 در طرف تولید کننده قرار گرفته است
 در طرف تولید کننده قرار گرفته است
 در طرف تولید کننده قرار گرفته است
 در طرف تولید کننده قرار گرفته است
 در طرف تولید کننده قرار گرفته است
 در طرف تولید کننده قرار گرفته است
 در طرف تولید کننده قرار گرفته است
 در طرف تولید کننده قرار گرفته است

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

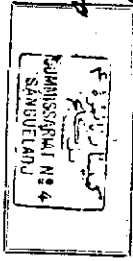
تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

تولید کننده
 LABOR BROTHERS
 ۱۳۱۵
 ۴۵۳۳۸۶
 No. ۱۳۱۵

40-4-27 AN PREFET

Rapport No 222 La Police Uniformée

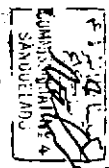
Telkran, le 27 Howard 1939



1339
 1339
 1339

متن داووت -

بسم الله الرحمن الرحيم
 هذا ما علمت من السيد
 ...
 ...
 ...

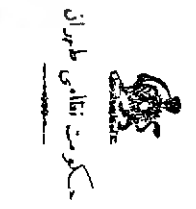


1339
 1339

de Suisse
 D'abord-charges
 appartenant à une femme de chambre
 concernant à ce que, cette femme
 pourrai avoir des renseignements dans les
 jours de lundi et mardi de son
 domicile.ayant fait des enquêtes relatives

du Comm. le dit
 prénommé a déclaré
 que de suite il a une
 cérémonie de feu à son domicile
 cette personne était joueur

وعد	اسم التوسعة
اسم التوسعة	اسم التوسعة
اسم التوسعة	اسم التوسعة
اسم التوسعة	اسم التوسعة



اسم التوسعة	اسم التوسعة
اسم التوسعة	اسم التوسعة
اسم التوسعة	اسم التوسعة
اسم التوسعة	اسم التوسعة

بسم الله الرحمن الرحيم
 هذا ما علمت من السيد
 ...
 ...
 ...

۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...
 ۶- ...
 ۷- ...
 ۸- ...
 ۹- ...
 ۱۰- ...

۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...
 ۶- ...
 ۷- ...
 ۸- ...
 ۹- ...
 ۱۰- ...

۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...

شماره: ...
 تاریخ: ...
 ۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...